

## رویکرد ترجیحی امام کیا هراسی در تفسیر قرآن کریم\*

ایوب علیپور

asem13571399@gmail.com

عضو هیأت علمی معهد عالی

### چکیده

امام کیا هراسی در تفسیر آیات قرآن و ترجیح بین آرای تفسیری تمام کوشش و تلاش خود را به کار برده است. استنادات اصیل و متوازن که برگرفته از اندیشه تفسیری و اصولی اوست، کتاب وی را از جمله مهم‌ترین کتاب‌های تفسیر فقهی قرار داده است. به‌کارگیری صیغه‌ها و اسالیب در ترجیح نظرات تفسیری که در کتاب احکام القرآن او وجود دارد، بیان‌گر قدرت و توانایی ایشان در پردازش و تحلیل مسائل قرآنی است. در این کتاب کیا هراسی در انتخاب و ترجیح بین اقوال، به وجوه ترجیحی چون نظیر قرآنی، سنت نبوی، قاعده ظهور قرآنی و عمومیت الفاظ استناد می‌کند، که البته از همه این وجوه در جای درست خودش به شکل نسبتاً دقیقی استفاده نموده است.

کلید واژه‌ها: کیا هراسی، تفسیر، قرآن، آیه، ترجیح، راجح

## مقدمه

اطلاع لازم از شیوه تعامل مفسرین با آرای تفسیری و چگونگی گزینش و ترجیح بین آرا می‌تواند کار را برای علاقه‌مندان در حوزه تفسیر قرآن آسان سازد. تفسیر «احکام القرآن» نوشته امام کیا هراسی از جمله تفاسیری می‌باشد که نحوه گزینش و ترجیح بین داده‌های تفسیری را به خواننده آموزش می‌دهد، از این رو لازم است این تفسیر جهت استفاده محققان بازشناسی گردد.

امام کیا هراسی در گزینش و ترجیح آرای تفسیری از صیغه‌ها و اسالیبی استفاده می‌کند که عموماً دال بر ترجیح نظری در تفسیر است که البته این صیغه‌ها را به سه دسته تقسیم می‌کند، که در ادامه خواهد آمد. او آرای تفسیری را به صورت‌های مختلفی ترجیح می‌دهد که در این مقاله به پنج صورت مهم آن با مثال اشاره شده است.

در تبیین رویکرد تفسیری امام کیا هراسی کتاب‌هایی نوشته شده است که در این میان می‌توان به کتاب «منهج الإمام إلكيا الهراسی الطبری» نوشته محمد منظور نعمان، و کتاب «الإمام إلكيا الهراسی ومنهجه فی تفسیر أحکام القرآن» نوشته خلیل اسماعیل الیاس اشاره نمود، اما مقاله حاضر به‌طور ویژه به رویکرد ایشان در ترجیح معانی قرآن پرداخته است.

این مقاله بر آن است که رویکرد ترجیحی امام کیا هراسی در استنباط معانی قرآن را از کتاب احکام القرآن او، استخراج کند، که نگارنده در این خصوص روش استقرایی را در پیش گرفته تا در استنباط رویکرد ترجیحی این شخصیت علمی کمال دقت را داشته باشد.

## شرح مختصری از زندگی‌نامه امام کیا هراسی

کیا هراسی از علمای بزرگ شافعی مذهب می‌باشد که در سال ۴۵۰ هجری در آمل طبرستان به دنیا آمد و مراحل کودکی خود را در همان‌جا سپری نمود، سپس در سن هجده سالگی به

نیشابور رفته و نزد «ابوالمعالی جوینی» کسب علم نمود، تا این‌که توانست نزد این امام به مکان‌ت علمی بالایی دست پیدا کند. سپس به بغداد رفته و در مدرسه نظامیه به تدریس مشغول شد و به منصب قضاوت نیز دست پیدا کرد. وی در طول دوران حیات علمی و اجتماعی خویش مناصب علمی، اجتماعی و سیاسی زیادی را بر عهده گرفت، و علاوه بر منصب تدریس و قضاوت، چندی نیز به‌عنوان سفیر «سلطان برقیارووق» در جهت مصالحت بین او و سلطان محمود نقش مهمی را ایفا نمود. در حل منازعات حکومتی بین سلاطین و دفع فتنه‌های سیاسی نیز عملکرد خیلی خوبی از خود نشان داده، و در دفاع از میراث علم شافعی مناظرات سختی با حنفی‌ها و حنبلی‌ها داشت، که در تاریخ معروف است. امام کیا هراسی پس از حیات‌ی پر از خدمت به علم و دانش در سال پانصد و پنج هجری دار فانی را وداع گفت. تنها کتابی که از این عالم برجسته به‌جای مانده است کتاب «احکام القرآن» است، که در مذهب شافعی دارای اهمیت به‌سزایی می‌باشد، وی این کتاب را در دفاع از مذهب و ردّ بر جصاص حنفی نوشت.

### تعریف ترجیح و اختیار

محور اصلی تعاریف لغوی که از ترجیح شده است، بر سنگینی و زیادت دلال‌ت دارد. (ابن‌فارس، ۱۹۷۹، ۲/۲۸۹)، گفته می‌شود: «وَأَرْجَحَ الْمِيزَانَ أَيْ أَثْقَلَهُ حَتَّى مَالَ» یعنی: کفه ترازو را سنگین کرد تا این‌که به سمت پایین مایل شد. (ابن‌منظور، ۱۴۱۴، ۲/۴۴۵)

تعریف‌های متعددی از معنای اصطلاحی ترجیح شده است از جمله: «اثبات منزلت یکی از دو دلیل بر دیگری». (جرجانی، ۱۹۸۳، ۱/۵۶)، «تقویت یکی از دو نشانه بر دیگری، به‌وسیله امری غیر آشکار». (زرکشی، ۱۹۹۴، ۸/۱۴۵)، «تقویت یکی از دو چیز در برابر دیگری تا بدین‌وسیله قوت آن شناخته شود و به آن عمل گردد، و ضعیف رها شود». (فخر رازی، ۱۹۹۷، ۵/۳۹۷)

اما از آن جا که بین ترجیح و اختیار پیوند معنایی تنگاتنگی وجود دارد، و این دو واژه به جای یکدیگر نیز به کار می‌روند، لازم آمد که تعریف این واژه نیز بیان شود، محور تعریف لغوی اختیار، طلب نمودن آن چه در آن خیر است، می‌باشد. و پیداست که در این تعریف، معنای انتخاب، بهتر مدنظر قرار گرفته است، و به همین دلیل است که در تعریف اصطلاحی اختیار آمده است: «ترجیح دادن یک چیز مشخص و تخصیص آن و مقدم نمودن آن بر چیزهای دیگر».

(تهانوی، ۱۹۹۶، ۱/۱۱۹)

### ارتباط معنایی ترجیح و اختیار در کاربرد

در باب اتفاق و افتراق معنایی ترجیح و اختیار در اصطلاح تفسیر، در میان متخصصان علم تفسیر در عصر حاضر نظراتی مبنی بر تفاوت کارکرد این دو واژه مطرح شده است، بدین صورت که ترجیح: تقویت نمودن یکی از اقوال موجود با ارائه دلیل، یا تضعیف اقوال دیگر است. و اختیار: تمایل به یکی از اقوال همراه با تصحیح دیگر آرای تفسیری است. (حربی، منهج الطبری فی التفسیر، ۱۴۲۹، ۵۷)

پیداست که این نظر به جهت اختلاف در معنای لغوی آن دو کلمه پدید آمده است، اما در اصطلاح مفسرین چندان به مفهوم لغوی دو کلمه توجه نشده است، به طوری که هر کدام را جای دیگری به کار برده‌اند، به عنوان مثال ابن عطیه و ثعالبی اختیار و ترجیح را به یک معنا به کار برده‌اند. (ابن عطیه، ۱۴۲۲، ۳/۲۴۶ و ثعالبی، ۱۴۱۸، ۱/۳۲۸) هم چنین این دو واژه به شکل مترادف، به وفور در تفسیر «المنار» مشاهده می‌شود. (رشید رضا، ۱۹۹۹، ۶/۲۵۱) حتی در خیلی از پایان نامه‌های دانشگاهی که قائل به تفرقه بین ترجیح و اختیار هستند نیز تفاوت معنایی بین این دو واژه دیده نمی‌شود، که خود گویای این است که در کتاب‌های تفسیر هر دو کلمه را به جای یکدیگر به کار می‌برند.

## صیغه‌های ترجیح نزد امام کیا هراسی

منظور از صیغه‌های ترجیح، مجموعه تعبیراتی است که مفسر برای نظرات راجح تفسیری به‌کار می‌برد، این تعبیرات گاه صریح و گاه محتمل می‌باشند.

لازم به ذکر است که قبل از مقایسه آرای تفسیری و شناخت نظر راجح هر مفسر، بایستی با صیغه‌های ترجیح هر مفسر آشنا شد، تا رأی برگزیده و راجح او کاملاً شناخته شود.

با بررسی و جستجو در کتاب احکام القرآن امام کیا هراسی معلوم شد ایشان این تعبیرات را به سه گونه به‌کار برده‌اند که عبارتند از:

### ۱ - تصریح به رأی راجح (برگزیده)

این روش از مهم‌ترین صیغه‌های ترجیح نزد مفسرین به حساب می‌آید، که خود این روش در تفسیر، دارای صیغه‌هایی است که عبارتند از:

#### - صیغه‌های اثبات

### ۱- تصریح به تصحیح یکی از اقوال مانند:

الف- «وهو صحیح»، (این صحیح است). «هو الصحیح من مذهب الشافعی»، (این در مذهب شافعی قول صحیح است). «هذا صحیح عندنا»، (این نظر نزد ما صحیح است). «کل ذلک صحیح»، (همه آن‌ها درست است). «کلام صحیح»، (سخن درستی است). (کیا هراسی، ۱۴۰۵، ۱۶۹/۱ و ۳۴۳/۲ و ..)

ب- «هذا بین حسن»، (این واضح و درست است). «هذا بین جداً»، (کاملاً مشخص و روشن است). «هذا بین ظاهر»، (این روشن و آشکار است). «هذا بین لا غبار علیه»، (این روشن است، غباری بر آن نیست). (همان، ۱۶۹/۱ و ۱۸۶ و ..)

ج - «هذا هو الحق عندنا»، ( این نزد ما حق است). «هو الحق»، (این حق است). «الحق ما قاله حق»، (حق چیزی است که او گفت). «الحق الواجب»، (حق حتمی است). (همان، ۱۸۸/۴ و ۴۲۱ و..)

د - «هذا كلام له وجه»، (این کلام دارای وجهی از صحت است). (همان، ۴۳۱/۲) و دیگر صیغه‌ها و عباراتی که مفسرین در گزینش و ترجیح آرای خود به کار می‌برند و متخصصان علوم قرآنی به خصوص آنانی که در حوزه تفسیر تطبیقی کار می‌کنند به آن توجه ویژه‌ای دارند. به عنوان مثال در آیه کریمه: ﴿وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الْمَحِيضِ قُلْ هُوَ أَذَىٰ فَأَعْتَزِلُوا اللِّسَاءَ فِي الْمَحِيضِ﴾ (بقره، ۲۲۲) امام کیا هراسی در ردّ نظر امام ابوحنیفه و اثبات نظر امام شافعی، محیض در آیه را موضع اذیت تفسیر می‌کند، و آن را صحیح می‌داند. و می‌گوید: خداوند متعال موضع حیض را با این بخش از آیه (قل هو اذی) تبیین می‌نماید، زیرا که نجاست خود خون معلوم بود، و مورد اجتناب قرار می‌گرفت. و همین امر باعث می‌شود که تحریم، مخصوص جایگاه زیان و آلودگی باشد نه خود آلودگی - که خون است - این نظر صحیح و در مذهب شافعی است. (همان، ۱۳۵/۱) در این مثال امام کیا هراسی معنایی از آیه را ذکر نموده و با صیغه «هو صحیح» که در بند الف ذکر شد آن را ترجیح می‌دهد.

۲- ذکر قول راجح با صیغه تفضیل مانند:

ألف - «الأقرب»، (نزدیک‌تر). «الأقرب الى الظاهر»، (به ظاهر نزدیک‌تر است). (همان، ۱۸۰/۱ و ۷۷/۳ و..)

ب - «الأظهر»، (ظاهرتر)، «وهو الأظهر»، (آن ظاهرتر است). (همان، ۴۳/۱ و ۴۰۷/۲ و..)

ج - «الأولى»، (سزاوارتر). «الأولى بالمراد»، (به منظور آیه سزاوارتر است). (همان، ۳۲۴/۴ و ۳۲۶)

د- «أقوی»، (قوی‌تر)، (همان، ۱۱۵/۱ و ۲۱۲/۲ و..)

ه- «هذا أشمل التأویلات»، (این شامل‌ترین تاویل‌هاست). (همان، ۱۳/۳)

و- «أشبه بظاهر الآیة»، (به ظاهر آیه شبیه‌تر است). (همان، ۲۲۱/۴)

به‌عنوان مثال در بیان مراد از (أولی الأمر) در آیه ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ﴾ (نساء، ۵۹)، می‌گوید: «احتمال دارد که منظور از (أولی الأمر) امرای باشند، به دلالت ذکر کلمه عدل در آیه سابق: ﴿وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ﴾ (نساء، ۵۸) و نیز این سخن خداوند که فرمود: ﴿فَإِنْ تَنَزَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ﴾ (نساء، ۵۹)، (همان، ۴۷۲/۲). و این درست‌تر است، «وهو الأظهر».

همان‌طور که گذشت، امام کیا هراسی در تعامل با آرای موجود پیرامون مراد آیه، با توجه به بافت و فضای آیه کریمه، با صیغه «اظهر»، یک قول را بر دیگر اقوال ترجیح می‌دهد.

#### - صیغه‌های نفی

۲- تصریح به ضعیف بودن یک نظر در تفسیر آیه و تفسیر همان آیه با نظرات دیگر.

این تعبیر بدین صورت است که قول مرجوح را با عبارت‌ها و صیغه‌هایی به‌کار می‌برد که نشان‌گر ضعیف بودن آن قول باشد. پس از آن، او خود معنای راجح را ذکر می‌کند.

با بررسی در کتاب احکام القرآن مشخص می‌شود که، عبارت‌های به‌کار رفته که دلالت بر

نفی اقوال و مخالفت با آنها است به‌قرار زیر است:

ألف- «هذا بعيد»، «هو بعيد»، «هذا بعيد جداً»، «ذلك بعيد من القول»، «هو بعيد جداً»، «ذلك في غاية البعد»، «هذا تأویل بعيد»، «ذلك یبعد». (همان، ۳۱۰/۴، ۲۹۶/۴، ۲۹۳/۴، ۲۸۰/۴،

۲۷۱/۴، ۴۵۷/۲، ۳۵۷/۲، ۴۵۱/۲، ۴۷۷/۲، ۶۵/۱، ۳۲۱/۲، ۱۱۳/۳، ۱۸۸/۱، ۳۲۵/۲، ۳۴۳/۲، ۱۸/۱)

- ب- «هذا غلط منه»، «هذا غلط» (همان، ۲۳۹/۱، ۹۵/۳، ۷۷/۱، ۱۷۹/۱، ۲۱۲/۱، ۴۱۷/۲، ۹۵/۳)
- ج- «فيه دليل على بطلان»، «يدل على بطلان»، «علم بطلان هذا القول». (همان، ۹۱/۳، ۳۱۰/۴، ۳۱۴/۴، ۳۷/۱، ۲۸۸/۲، ۳۷۲/۲، ۴۲۸/۲)
- د- «غير صحيح». (همان، ۱۳۶/۱، ۱۵۱/۱، ۱۵۳/۱)
- ه- «لا مستند لهذا القول». (همان، ۱۵۳/۱)

در ترجیح بین اقوال مفسرین، تمام این صیغه‌ها بیان‌گر نفی اقوالی هستند که توسط مفسر، ضعیف قلمداد شده‌اند، امری که باعث می‌گردد کار برای مقایسه نظرات تفسیری و در نهایت ترجیح نظر برتر آسان شود.

به‌عنوان مثال در استدلال به تفسیر این بخش از آیه که خداوند متعال می‌فرماید: ﴿وَمَنْ عَادَ فَيَنْتَقِرْ إِلَى اللَّهِ مِنْهُ﴾ (مائده: ۹۵)، امام کیا هراسی استدلال برخی از مفسرین را که می‌گویند: هیچ کیفری علیه عاقله -خویشاوندان قاتل- وجود ندارد، از اصول شرع بعید می‌داند و می‌گوید: «استدل به قوم علی أن العاق لا جزاء علیه، وهو بعید جدا عن أصول الشرع» (همان، ۱۱۳/۳) گروهی به این آیه استدلال کرده‌اند که عقوبتی بر عاقله نیست، در حالی که این حکم کاملاً از اصول شرع به دور است.

در این جا بخش اول تعبیر مورد نظر به‌کار رفته است، بدین‌صورت ایشان در تفسیر آیه، نظری را ذکر نموده، سپس آن را با عبارت «هو بعید جدا» (این کاملاً بعید است)، تضعیف نموده است.

چنان‌که در توضیح آیه کریمه ﴿وَمَنْ قَتَلَهُ مِنْكُمْ مُتَعَمِّدًا فَجَزَاءٌ مِّثْلُ مَا قَتَلَ﴾ (مائده، ۹۵)، در ردّ قول ابوبکر جصاص می‌گوید: «رازی به این آیه استدلال کرده است که اگر یک گروه مرتکب قتل شوند، برای هر یک از افراد این گروه، مجازات کامل در نظر گرفته می‌شود؛ زیرا خداوند

متعال فرموده است: ﴿وَمَنْ قَتَلَهُ﴾ یعنی هر یک از آن‌ها را قاتل نامیده است. مانند آیه: ﴿وَمَنْ قَتَلَ مُؤْمِنًا خَطَاً فَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مُؤْمِنَةٍ﴾ (نساء، ۹۲)، پس اقتضا دارد که بر هر یک از قاتلان، آزاد کردن برده واجب شود». پس از این سخن امام کیا هراسی می‌گوید: «این سخن بعید است «وهذا بعید»؛ زیرا هر یک از آنان قاتل مفرد حقیقی نیستند، بلکه مجموع آنان به منزله شخص واحد به‌شمار می‌روند». (همان، ۱۱۴/۳)

در این مثال امام کیا هراسی قول جصاص را با عبارت «هذا بعید» رد نموده، و قولی را که از نظر او صحیح و راجح است بیان نموده است.

۳- تصریح نمودن به رأی راجح با صیغه قوی و به رأی غیر راجح با صیغه ضعیف. در بیش‌تر حالات ایشان نظر راجح را با صیغه جزم و قوت ذکر نموده و آن را بر نظرات دیگر مقدم می‌دارد، و قول مرجوح را با صیغه تمریض و ضعف ذکر می‌کند. چنین روشی در گزاره‌های قرآنی معمول است، چنان‌که بسیاری از مفسرین از جمله بیضاوی، زمخشری، نسفی، ابوسعود و... آن را در تفاسیر خود به‌کار برده‌اند، علاوه بر این گاهی، امام کیا هراسی در معنای آیه‌ای دو نظر مختلف را با صیغه تمریض ذکر کرده، سپس یکی از آن دو نظر را با دلیل ترجیح می‌دهد.

مثلا در سبب نزول آیه کریمه ﴿يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ لِمَ تُحَرِّمُ مَا أَحَلَّ اللَّهُ لَكَ﴾ (تحریم، ۱) دو قول ذکر می‌کند که اولی درباره تحریم غسل و دومی در مورد تحریم ماریه کنیز رسول الله -صلی الله علیه وسلم- است. اما هر دو را با صیغه تمریض ذکر می‌کند. امام کیا هراسی می‌گوید: «قيل: إن الآية وردت في تحريم العسل، وقيل: وردت في تحريم مارية لما أصابها في بيت حفصة، فعلمت به، فخرجت منه، فقال: ألا ترضين أن أحرمها فلا أقربها؟ فقالت: بلى، فحرمها فنزلت

الآية» (همان، ۴/۴۲۵) آورده‌اند که این آیه در مورد تحریم غسل توسط رسول الله نازل شده است. و نیز گفته شده زمانی که رسول الله در خانه حفصه با ماریه همبستر می‌شود حفصه با خبر می‌شود و از خانه بیرون می‌رود، که به دنبال آن رسول الله -صلی الله علیه وسلم- به حفصه می‌گوید: آیا راضی می‌شوی که ماریه را بر خویش حرام کنم و به او نزدیک نشوم؟ حفصه می‌گوید: آری، که بلافاصله آیه نازل می‌شود.

پس از نقل این دو روایت در سبب نزول آیه فوق، روایت دوم، یعنی روایت تحریم ماریه را ترجیح می‌دهد، و می‌گوید: «این روایت به سبب نزول آیه سازگارتر است؛ چون خداوند متعال می‌فرماید: ﴿لَمْ نُحَرِّمْ مَا أَحَلَّ اللَّهُ لَكَ تَبَتَّغِي مَرْصَاتٍ أَزْوَاجِكَ﴾ (تحریم، ۱) در حالی که در مورد حدیث غسل روایت شده است، که رسول الله سوگند خورده است. اگرچه در روایت ماریه نیز، سوگند روایت شده است، اما موافقان ترجیح حدیث غسل استدلال کرده‌اند که خداوند متعال فرموده است: ﴿قَدْ فَرَضَ اللَّهُ لَكُمْ تَحِلَّةَ أَيْمَانِكُمْ﴾ (تحریم، ۲) در حالی که مجرد تحریم، دال بر سوگند نیست». (همان‌جا)

همان‌طور که پیداست امام کیا هراسی قول دوم را ترجیح می‌دهد، و قول اول را به دلیل اختلاف روایت در معنای آن، و نیز مدلول خود آیه، تضعیف می‌نماید.

در همین راستا، امام کیا هراسی در ترجیح بین اقوال، دو قول را با صیغه جزم و تمریض ذکر می‌کند، سپس قولی را که با صیغه تمریض آورده است، مستدل کرده به‌گونه‌ای که تصور می‌شود، قول مستدل را ترجیح داده است. به‌عنوان مثال در معنای (فتنه) ذیل آیه ﴿وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةً﴾ (أنفال، ۳۹) می‌گوید: «معنای آن شرک است، و هم‌چنین گفته شده است که معنا چنین است که با کافران بجنگید تا مؤمن در دین خود، دچار فتنه نگردد.

به دلیل این که جنگیدن با کفار و کشتنشان برای دفع ضرر آنها می‌باشد نه کیفر ناسپاسی». (همان، ۱۵۵/۳)

### وجوه ترجیحی نزد امام کیا هراسی

منظور از وجوه ترجیح در تفسیر، روش‌هایی است که مفسر در ترجیح یکی از اقوال تفسیری به کار می‌برد، یا به تعبیر دیگر مستندات که مفسر جهت تقویت رأی تفسیری خود بدان استدلال می‌کند.

بهره‌مندی از این روش‌ها و مستندات در رویکرد تفسیری امام کیا هراسی کاملاً مشهود است. در این مقاله به پنج مورد از مهم‌ترین آنها اشاره می‌شود.

### ۱ - ترجیح به دلالت نظیر قرآنی

از مهم‌ترین ضوابطی که به وسیله آن یکی از اقوال بر دیگری ترجیح داده می‌شود، تفسیر آیه با آیه مشابه خود است که در واقع صحیح‌ترین روش تفسیری به شمار می‌رود. امام کیا هراسی این روش را در کتاب خود بسیار به کار برده است که به نمونه‌هایی از آن اشاره می‌شود. در استدلال به آیه کریمه ﴿رَبِّ اجْعَلْ هَذَا بَلَدًا ءَامِنًا﴾ (بقره، ۱۲۶) و ﴿وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ ءَامِنًا﴾ (آل عمران، ۹۷) می‌گوید: خداوند متعال حرم مکی و کعبه را از خشک‌سالی، یورش و غارت در امنیت قرار داده است، و این امر خواسته ابراهیم -علیه السلام- بوده و خداوند نیز دعای او را اجابت نموده است.

ایشان رأی کسانی که با استدلال به آیات فوق، معتقدند اگر شخصی مستحق حدی از حدود الهی شده، و به خانه خدا پناه ببرد، کسی حق تعرض به او را ندارد، رد می‌کند. و در بیان ترجیح

نظر خود به نظائر قرآنی استناد می‌کند، و در توضیح این بخش از آیه ﴿وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا﴾ به آیات ﴿وَأَمْنَهُمْ مِنْ خَوْفٍ﴾ (فریش، ۴)، ﴿وَقَالُوا إِنْ تَتَّبِعِ الْهُدَىٰ مَعَكَ تُخَاطَفُ مِنْ أَرْضِنَا أَوْلَىٰ نُمْكِنَ لَهُمْ حَرَمًا آمِنًا﴾ (قصص، ۵۷) استناد می‌کند، سپس می‌گوید: گفته خداوند که می‌فرماید: ﴿كَانَ آمِنًا﴾ به دنبال آیات مذکور بیان‌گر خبری است که در گذشته اتفاق افتاده است؛ نه این‌که به‌عنوان یک قانون درآمده باشد و هر کسی مرتکب جرمی شود، با پناه بردن به حرم مکه، از اجرای حد به‌دور بماند. (همان، ۲/۲۹۲)

و به همین صورت این روش را در جاهای زیادی از کتاب خویش برای تبیین مراد و ترجیح قول صحیح به کار برده و بر آن نیز اصرار می‌ورزد. با نگاهی به کتاب احکام القرآن، روشن می‌شود که امام کیا هراسی این روش را به‌عنوان یک رویکرد علمی و کاربردی در کتاب خود به‌کار گرفته است.

## ۲- ترجیح به دلالت سنت نبوی

یکی دیگر از روش‌های مهم و اساسی در تبیین و گزینش اقوال تفسیری پس از قرآن، انتخاب اقوال تفسیری بر اساس احادیث نبوی است، که مفسرین چه در تبیین مراد خداوند به‌طور مستقل، و چه در مقایسه بین نظرات مختلف به آن توجه نموده‌اند. این توجه از آن جاست که خود قرآن کریم بدان مشروعیت بخشیده است. خداوند متعال می‌فرماید: ﴿وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ وَلَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ﴾ (نحل، ۴۴)

امام کیا هراسی در باب ترجیح بین اقوال مفسرین و توضیح نصوص قرآنی، به سنت نبوی استناد می‌کند، و در ترجیح بین اقوال مفسرین بدان استدلال می‌کند، که در این جا به نمونه‌هایی از آن اشاره می‌شود.

به‌عنوان مثال در ذیل آیه ﴿وَإِذَا ضَرَبْتُمْ فِي الْأَرْضِ فَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَقْصُرُوا مِنَ الصَّلَاةِ إِنَّكُمْ خِفْتُمْ أَنْ يَفْتِنَكُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا﴾ (نساء، ۱۰۱) در ردّ کسانی که با استدلال به حدیث نبوی معتقدند منظور از قصر، در آیه کریمه نماز خواندن در هنگام جنگ است، به‌گونه‌ای که اشاره کردن به جای رکوع، سجود و سوار بودن به‌جای قیام در نماز کفایت می‌کند، می‌گوید: «در احادیث نبوی شواهدی وجود دارد که نظر ما را ترجیح می‌دهد از جمله حدیثی به روایت یعلی بن امیه است که می‌گوید: «به عمر بن خطاب -رضی الله عنه- گفتم: چرا باید نمازمان را قصر کنیم در حالی که در امنیت هستیم؟ و خداوند متعال می‌فرماید: ﴿فَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَقْصُرُوا مِنَ الصَّلَاةِ إِنْ خِفْتُمْ أَنْ يَفْتِنَكُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا﴾ (نساء، ۱۰۱)، عمر -رضی الله عنه- گفت: من نیز همانند تو تعجب کردم و لذا از رسول الله -صلی الله علیه وسلم- پرسیدم، اما حضرت فرمودند: «صَدَقَهُ تَصَدَّقَ اللَّهُ بِهَا عَلَيْكُمْ فَاقْبَلُوا صَدَقَتَهُ» این لطفی است که خداوند در حق شما نموده است پس لطف خداوند را بپذیرید. (مسلم، بی تا، ۴۷۸/۱) سپس امام کیا هراسی می‌گوید: این بخش از سخن که «چرا باید نمازمان را کوتاه بخوانیم در حالی که در امنیت هستیم؟» که به رسول الله گفته شد، دلیل و بیان‌گر این امر است که مفهوم آیه، دلالت بر قصر رکعات نماز دارد». (کیا هراسی، ۱۴۰۵، ۴۸۸/۲،

ترجیح به دلالت ظاهری آیه از وجوه و صورت‌های مورد اعتماد علمای تفسیر در توضیح آیات قرآنی است، که بسیاری از آنان در ترجیح اقوال تفسیری به آن استدلال کرده‌اند؛ بنابر قاعده تفسیری «لایجوز العدول عن الظاهر إلا بدلیل یجب الرجوع إلیه» (حریمی، قواعد الترجیح، ۱۹۹۶، ۱۳۷/۱)

با استدلال به چنین قواعدی امام کیا هراسی به ظاهر آیه در ترجیح بین اقوال عمل می‌کند، و آن را دلیل راجح می‌داند، به‌عنوان مثال در تفسیر آیه کریمه ﴿وَلَا یَحِلُّ لَهُنَّ أَنْ یَكُنَّ مِمَّا خَلَقَ اللَّهُ فِی أَرْحَامِهِنَّ﴾ (بقره، ۲۲۸) در مراد از آن‌چه خداوند در ارحام آفریده است می‌گوید: «ظاهر آیه در مورد حیض نیست بلکه در مورد حمل است، و این امری است که علاوه بر خود زن، دیگران نیز می‌دانند و از آنان مخفی نمی‌ماند» (کیا هراسی، ۱۴۰۵، ۱۶۱/۱)

و هم‌چنین در تفسیر آیه ﴿وَالَّذَانِ یَأْتِیْنَهَا مِنْكُمْ فَعَادُوهُمَا﴾ (نساء، ۱۵) می‌گوید: «بنابر ظاهر گفته خداوند که فرمود: ﴿وَالَّذَانِ﴾ مراد از این لفظ دو مرد می‌باشد، و بحث زن در اینجا مطرح نیست، به‌دلیل این‌که موضوع فحشای زن در آیه قبلی بیان شده است». (همان، ۳۷۶/۲)

#### ۴ - ترجیح به دلالت سیاق

از مهم‌ترین صورت‌های تفسیری در گزینش آرای تفسیری و ترجیح آن بر دیگر اقوال، ترجیح به دلالت سیاق آیه است، ناگفته پیداست که سیاق به‌معنای به‌کارگیری معانی پیش‌و‌پس آیه جهت تبیین و توضیح مدلول آیه است، به‌گونه‌ای که اگر آیه را از بافت و فضای پیرامون آن خارج کنیم، در رسیدن به فهم مراد و مقصود آیه دچار مشکل می‌شویم. و معنای آیه آن‌طور که مطلوب و لازم است فهم نمی‌گردد.

امام کیا هراسی به این بُعد از مرجحات تفسیری بی توجه نبوده و آن را در کتابش به کار برده است، به عنوان مثال در بیان مخاطبین آیه کریمه ﴿وَأَتُوا النِّسَاءَ صَدُقَاتِهِنَّ نِحْلَةً﴾ (نساء، ۴) می‌گوید: «خطاب در این آیه متوجه همسران می‌باشد و آنان را از عدم پرداخت مهریه منع نموده است. هم‌چنین آیه می‌تواند خطاب به ولی باشد که مهریه را می‌گیرد و به زن نمی‌دهد، اما لفظ (فَأَنْكِحُوا) که در آیه قبل آمده، کمک می‌کند که خطاب این آیه را متوجه شوهر بدانیم.» (همان، ۳۲۴/۲)

و در تفسیر آیه ﴿ثُمَّ أَفِيضُوا مِنْ حَيْثُ أَفَاضَ النَّاسُ﴾ (بقره، ۱۹۹) نظر ضحاک بن مزاحم که مستدل به سیاق هست را ترجیح داده و می‌گوید: «ضحاک گفته است که منظور از آن وقوف در مزدلفه و روانه شدن از مکانی است که ابراهیم -علیه السلام- از آن جا روانه شد، و ابراهیم را مردم نامید همان طور که جایی دیگر او را امت نامیده است، چون به تنهایی امتی بود، چنان‌که در این جا به منزله مردم است. بیش‌تر علماء قول اول (روانه شدن از عرفات به مشعرالحرام) را ترجیح می‌دهند اما نظر ضحاک از لحاظ دلالت نظم کلام و سیاق قوی‌تر است زیرا خداوند متعال فرمود: ﴿فَإِذَا أَفَضْتُمْ مِنْ عَرَفَاتٍ﴾ (بقره، ۱۹۸)، پس روانه شدن (افاضه) از عرفات در این آیه ذکر شد، سپس به دنبال آن فرمود: ﴿ثُمَّ أَفِيضُوا مِنْ حَيْثُ أَفَاضَ النَّاسُ﴾ و شکی نیست که لفظ «ثُمَّ» بر ترتیب دلالت دارد؛ لذا فهمیده می‌شود که این روانه شدن (افاضه) غیر از روانه شدن از عرفات است، پس حمل آیه بر این معنا بهتر از حمل آن بر روانه شدن از عرفات می‌باشد. چون حرکت از عرفات قبلا ذکر شده است و دیگر نیازی به تکرار آن نیست.» (همان، ۱۱۵/۱-۱۱۶)

توجه امام کیا هراسی به قاعده سیاق، به قدری است که مخالفت جمهور مفسرین و ادله آن‌ها را با ضحاک بی‌تأثیر می‌بیند. در این مسأله کیا هراسی با کسانی مخالفت می‌کند، که قدرت رأی آنان به اندازه‌ای است که امام طبری با این‌که به قوت قول ضحاک معتقد بود، ولی آن را نپذیرفت.

## ۵ - ترجیح به دلالت عموم

قاعده عموم یک قاعده عام شرع است که برگرفته از دلالت‌های الفاظ است، وقتی این الفاظ با نشانه‌هایی که در قواعد هر زبان آمده است مشخص می‌شود، دلالت بر عمومیت می‌کند. کیا هراسی این قاعده را به خوبی در تفسیر آیات قرآنی به کار برده است. ایشان ذیل آیه کریمه ﴿وَأَسْتَشْهِدُوا شَهِدِينَ مِنْ رِجَالِكُمْ﴾ (بقره، ۲۸۲) می‌گوید: «عموم کتاب خداوند متعال گواهی بادیه‌نشین بر شهرنشین را جایز می‌داند؛ زیرا چه بسا که بادیه‌نشین نیز عادل و مورد اعتماد باشد و به خصوص که او هم‌کیش و هم‌دین ماست. و بادیه‌نشینی به منزله این است که بادیه‌نشین اهل یک شهر دیگر است... سپس می‌گوید: عمومات در قرآن دال بر این است که شهادت عادلان مقبول است، فرقی نمی‌کند که این انسان عادل، بادیه‌نشین باشد یا شهرنشین..» (همان، ۲۴۹/۱)

هم‌چنین در استنباط از این عبارت قرآنی «مَا لَمْ تَمْسُوهُنَّ» می‌گوید: «عموما، این گفته خداوند متعال که می‌فرماید: «مَا لَمْ تَمْسُوهُنَّ»، دلیل بر جواز طلاق در حالت حیض پیش از دخول است». (همان، ۲۰۱/۱)

از آن‌جا که امام کیا هراسی شخصیتی اصولی و فقهی بوده و کتاب احکام القرآن خویش را بر همین مبنا نوشته است، به مبحث ادله توجه زیادی دارد، و طبیعی است که به دلالت عموم به‌عنوان یکی از مرجحات، توجه ویژه‌ای نماید.

## نتیجه‌گیری

- کتاب احکام القرآن به لحاظ علمی و منهجی از اهمیت به‌سزایی برخوردار است، به‌طوری که آرای تفسیری را با دلایل قوی بررسی و تحلیل کرده، و با استدلال منطقی که نتیجه رویکرد علمی ایشان می‌باشد ترجیح می‌دهد.

- در برخورد با مخالفین مخصوصاً ائمه چهارگانه از ادب و احترام کافی برخوردار بوده و هیچ‌گاه سخنان ناروا علیه ائمه مذاهب به‌کار نبرده است.
- صیغه‌ها و وجوه ترجیحی که کیا هراسی به‌کار می‌برد، برگرفته از توانمندی او در تعامل با نصوص قرآنی و اقوال مفسرین مذاهب مختلف است، کاری که به جز از، فقیه، مجتهد و مفسر ساخته نیست.
- کیا هراسی برای ترجیح معنای تفسیر، تعبیراتی به‌کار می‌برد که به سه دسته کلی تقسیم می‌شود: ۱- تصریح به رأی راجح (برگزیده)، ۲- تصریح به ضعیف بودن یک نظر و ارائه نظر دیگر ۳- تصریح نمودن به رأی راجح با صیغه قوی و رأی غیر راجح با صیغه ضعیف.
- در بیان معنای آیه و ترجیح یک قول بر قول دیگر به دلایل مختلفی چون: مثالی آیات یا نظایر قرآنی، سیاق، حدیث نبوی، ظاهر آیه و اصل عموم استدلال می‌کند.
- به نظر می‌رسد به‌طور کلی ترجیحاتی را که امام کیا هراسی در بین نظرات مفسران و فقهاء به دست می‌دهد، بر پایه دلایل شرعی از کتاب و سنت است، و این بر خلاف باور برخی است که او را نسبت به مذهب شافعی متعصب دانسته‌اند.

## منابع

قرآن کریم.

تهانوی، محمد بن علی، کشف اصطلاحات الفنون والعلوم، تحقیق: علی دحروج، چاپ اول، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، ۱۹۹۶م.

ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، الجواهر الحسان فی تفسیر القرآن، تحقیق: شیخ محمد علی معوض، چاپ اول، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۱۸م.

جرجانی، علی بن محمد بن علی، تعریفات، چاپ اول، دارالکتب العلمیه، بیروت، ۱۹۸۳م.

رویکرد ترجیحی امام کیا هراسی در تفسیر قرآن کریم ♦ ۹۵

رازی، فخرالدین، محمد بن عمر بن الحسن، المحصول، تحقیق: طه جابر العلوانی، چاپ سوم، مؤسسة الرسالة، ۱۹۹۷م.

الحربی، الحسین، منهج الامام ابن جریر الطبری فی الترجیح، چاپ اول، دارالجنادرية، عمان، ۱۴۲۹هـ.

الحربی، الحسین، قواعد الترجیح عند المفسرین، چاپ اول، دارالقاسم، ریاض، ۱۴۱۷هـ، ۱۹۹۶م.

زرکشی، محمد بن عبدالله بن بهادر، بحر المحيط فی اصول الفقه، چاپ اول، دارالکتبی، ۱۹۹۴م.

رشیدرضا، محمد، تفسیر القرآن الحکیم (المنار)، الهيئة المصرية العامة للكتاب، ۱۹۹۹م.

ابن عطية، عبدالحق بن غالب، المحرر الوجیز فی تفسیر کتاب العزیز، تحقیق: عبدالسلام عبدالشافی، دارالکتب العلمية، ۱۴۲۲هـ.ق.

ابن فارس، احمد بن فارس بن زکریای رازی، معجم مقاییس اللغة، تحقیق: عبدالسلام محمد هارون، دارالفکر، ۱۹۷۹م.

کیا هراسی، ابوالحسن علی بن محمد طبری، احکام القرآن، تحقیق: موسی محمد علی وعزة عبد عطية، چاپ دوم، دارالکتب العلمية، بیروت، ۱۴۰۵ هـ.ق.

ابن منظور، محمد بن مکرم بن علی، لسان العرب، چاپ سوم، دارالصادر، بیروت، ۱۴۱۴هـ.ق.

نیشابوری، مسلم بن حجاج، المسند الصحیح المختصر بنقل العدل عن العدل إلى رسول الله صلى الله عليه وسلم ، دارالآفاق العربية، ۲۰۰۵-۱۴۲۶ هـ.